

# Wish Dragon

## متن انیمیشن شماره ۴

دین : عه سلام، موجود اژدهایی ! اون تویی؟ عجب چشم هایی داری!

لانگ : کارت عالی بود جوون رعیت ،یه آرزوت برآورده شد دو تا دیگه مونده تا موقع ناهار میتونی...

دین : تو باهام چیکار کردی؟ چرا کونگ فو بلدم؟ بگو

لانگ : قابلیت رو نداشت خودت خواستی منم کردمست استاد کونگ فو

دین : من که آرزویی نکردم... هی این عادلانه نیست

لانگ : خودت گفتی ای کاش...

دین : آها چون فقط گفتم ای کاش حالا باید قدرت های کنگ فویی داشته باشم؟!

لانگ : فدات شم عزیزم! ترکوندیم ... ول کن، بریم سراغ آرزوی دوم، بزار محبوب ترین آرزوهای تاریخ رو بهت توصیه کنم،

مثلا یه خروار طلا! حالا بعد از من تکرار کن، من آرزو میکنم... چرا نمیگی؟ یه خروار طلا...چرا صدا نمیداد؟خوشکل من

دین : هی اینقدر هولم نکن

لانگ : آها... از اینایی که دنبال دعوان؟ من میتونم تو چشم هات خشم رو ببینم. آسونه، فقط بخواه تا واست ارتش درست

کنم

دین : واقعا ارتش به چه دردم میخوره؟

لانگ : آدم صاف و ساده ای هستی تو، غمت نباشه این یکی خوراک رعیت هاست / میتونم بهت قدرت صحبت کردن با یکی

از عزیزانت اون سر چین رو بدم / سلام، چیکار میکنی؟ من یه عزیزم نمیتونم صداتو بشنوم. یه اتفاق بزرگی اینجا افتاده. چه

خبر، چیکار ... ؟

دین : یعنی مثل صحبت کردن با تلفن؟

لانگ : این دیگه چه جادویی؟ این نوازنده ها کجای دستگاهن؟ چطوری تونستی همه اینا رو این تو جاشون بدی؟

دین : دو تا آرزو دارم هرچی که بخوام. ها...یه جشن تولد / من فهمیدم چی میخوام.

لانگ : وایسا ... آرزوت گرفته؟

دین : آره آره آرزوم گرفته

لانگ : ایول